



دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

حقوق جزای بین الملل

کارشناسی ارشد

استاد: دکتر محمد ابراهیم شمس ناتری

سال تحصیلی ۹۰-۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

برخی از منابع درس

- حقوق کیفری بین الملل، دکتر حسینی نژاد، نشر میزان
- حقوق جزای بین الملل "مجموعه مقالات"، دکتر حسین میر محمد صادقی، نشر میزان
- درآمدی بر حقوق کیفری بین المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، علیرضا دیهیم، نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴

منابع امتحان

- ۱- کتاب دیوان کیفری بین المللی، تالیف دکتر حسین میر محمد صادقی
- ۲- مطالب کلاس (جزوه درسی)
- ۳- کنوانسیون پالمو (در ارتباط با جرایم سازمان یافته فراملی) ۲۰۰۰
- ۴- کنوانسیون مریدا ۲۰۰۳ (سازمان ملل، مریدای مکزیک) در مورد فساد اداری (به ویژه بین المللی) که ایران نیز عضو آن است.
- ۵- کنوانسیون وین ۱۹۸۸ در ارتباط با قاچاق مواد مخدر- ایران عضو این کنوانسیون است.
- ۶- اساسنامه رم برای تشکیل دادگاه کیفری بین المللی که صلاحیت تکمیلی دارد. ۱۹۹۸ تصویب در ۲۰۰۲ لازم الاجرا شد. بسیاری از کشورها عضو این اساسنامه هستند. ایران در تدوین آن حضور جدی داشته ولی هنوز نپیوسته است ولی خواهد پیوست. مرکز آن لاهه هلند است.
- ۷- قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹

فهرست مطالب

تعریف حقوق جزای بین الملل.....	۵
تعریف های سنتی.....	۵
تعریف جدید.....	۶
شاخه های حقوق جزای بین الملل.....	۷
۱. حقوق جزای بین الملل به معنای خاص.....	۷
۲. حقوق جرایم فراملی (بین المللی).....	۷
۳. حقوق بین الملل جزایی.....	۸
منابع.....	۹
پارادوکس کیفری و بین المللی بودن.....	۱۰
صلاحیت.....	۱۱
تعریف صلاحیت.....	۱۱
۱. صلاحیت تقنینی.....	۱۱
۲. صلاحیت قضایی.....	۱۲
۳. صلاحیت اجرایی.....	۱۳
اصول حاکم بر صلاحیت ها.....	۱۵
اصل صلاحیت سرزمینی.....	۱۶
مبانی اصل صلاحیت سرزمینی.....	۱۶
استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی.....	۱۷
۱. اصل صلاحیت سرزمینی شناور.....	۱۷
۲. سفارت خانه.....	۱۹

۲۳	اصول صلاحیت فرا سرزمینی.....
۲۳	۱. اصل صلاحیت شخصی.....
۲۴	مخالفان اصل صلاحیت سرزمینی.....
۲۴	مبانی اصل صلاحیت شخصی.....
۲۵	شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی.....
۲۹	اصل صلاحیت شخصی منفی یا انفعالی.....
۲۹	مبانی پذیرش جنبه منفی.....
۳۰	اصل صلاحیت واقعی یا حمایتی.....
۳۰	تعریف اصل صلاحیت واقعی.....
۳۰	مبانی اصل صلاحیت واقعی.....
۳۱	شرایط اصل صلاحیت واقعی.....
۳۱	شروط پذیرفته نشده.....
۳۳	نتایج اصل صلاحیت واقعی.....
۳۵	اصل صلاحیت جهانی.....
۳۶	مبانی اصل صلاحیت جهانی.....
۳۸	شرایط اعمال اصل صلاحیت جهانی.....
۴۰	تعارض قوانین.....
۴۱	مباحث مربوط به استرداد مجرمین.....
۴۱	تعریف استرداد.....
۴۲	مهم‌ترین اصول حاکم بر استرداد مجرمین.....
۴۴	حقوق جرایم فراملی.....

تعریف حقوق جزای بین الملل

تعریف های سنتی

۱- تعریف دنیو دو وابر^۱ : علمی است که صلاحیت محاکم کشور را در مقابل محاکم بیگانه و اجرای قوانین کیفری کشور اعم از قوانین ماهوی و شکلی را نسبت به مکان و اشخاص تابع این قوانین و همین طور اعتبار قوانین کیفری بیگانه را در قلمرو یک کشور بیان می کند.

نکات این تعریف:

۱- تقابل صلاحیت محاکم یک کشور با کشورهای دیگر

(مثلاً دو فرانسوی در ایران مرتکب قتل هموطن خود می شوند، محاکم کدام کشور صالح به رسیدگی هستند؟)

۲- اجرای قوانین کیفری مکان(اشاره به مواردی که یک دادگاه قوانین کشور دیگر را اجرا می کند) و اشخاص تابع (ایرانی در فرانسه کلاهبرداری کند و به ایران فرار کند!)

۳- اعتبار قوانین کیفری بیگانه

کلاهبردار ایرانی در فرانسه به ۵ سال حبس محکوم شود آیا این رای در ایران هم اعتبار دارد؟ اعتبار امر مختومه دو جنبه دارد: ۱. جنبه مثبت: اجرای احکام است. آیا فرانسه حق دارد که اجرای حکم دادگاه خود را بخواهد؟ آیا ایران ملزم به اجرا حکم دادگاه فرانسوی است؟ ۲. جنبه منفی که همان عدم محاکمه مجدد است. آیا ایران نباید مجدداً محاکمه کند؟

۲- تعریف دکتر حسینی نژاد: حقوق جزای بین الملل آن رشته از حقوق جزای داخلی است که عنصری برون مرزی دارد.

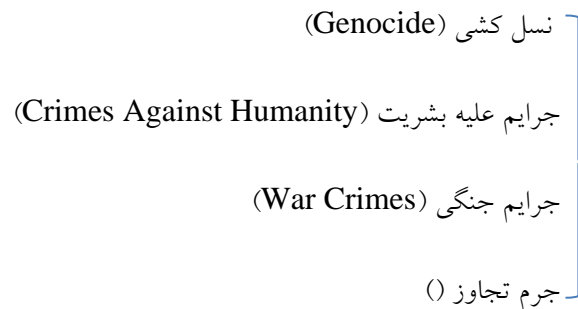
^۱ . Henri Donnedieu de Vabres

هنری دن دنیو دو وابر (۱۸۸۰-۱۹۵۲) قاضی و حقوقدان فرانسوی که در دادگاه نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم حضور داشت و قاضی فرانسوی اصلی در طول رسیدگی بود. (این دادگاه از چهار قاضی اصلی به همراه چهار قاضی جایگزین از کشورهای آمریکا، انگلیس، روسیه و فرانسه تشکیل می شد). قبل از جنگ در حالی که استاد حقوق کیفری دانشگاه پاریس بود برای ایجاد دادگاه کیفری بین المللی تلاش می کرد.

منبع: https://www.researchgate.net/publication/325555555/Henri_Donnedieu_de_Vabres

۳-تعریف دکتر کاتوزیان: حقوق جزای بین الملل به معنی مرسوم و قدیمی خود قواعدی است که حدود حاکمیت ملی را در باب مجازات‌ها تعیین می‌کند مباحث این شعبه با آنچه در حقوق بین الملل خصوصی و تعارض قوانین گفته می‌شود شباهت فراوان دارد.

دادگاه کیفری بین المللی واقع در لاهه با صلاحیت تکمیلی جرایم چهارگانه زیر را رسیدگی می‌کند:



صلاحیت تکمیلی: یعنی اول همان کشور می‌تواند رسیدگی کند و در صورت عدم رسیدگی دادگاه بین المللی حق رسیدگی دارد. قبلاً این رسیدگی‌ها به صورت موردی و (□□ □□□) بود ولی اساسنامه رم نکات ارزشمندی در مورد آیین دادرسی کیفری و جزای عمومی دارد.

اگر کشوری این اساسنامه را بپذیرد حق شرط ندارد و باید به صورت مطلق بپذیرد و از قواعد امری است. اصل در قواعد حقوق بین الملل تکمیلی بودن است ولی قواعد این اساسنامه امری است. بسیاری از کشورهای اروپایی ابتدا در قانون اساسی خود اصلاحاتی انجام دادند و مصونیت پادشاه یا... را برداشتند و سپس به این اساسنامه پیوستند.

تعریف جدید

دکتر میر محمد صادقی: موضوع حقوق جزا جرم است. جرم یکبار در قوانین داخلی وضع شده و ارتباطی با جرایم بین المللی ندارد و لکن به دلیل دخالت یک امر خارجی (مانند خارجی بودن مرتکب، مجنی علیه، محل ارتکاب جرم) به نحوی قانون داخلی از مرزهای جغرافیایی صلاحیت خود را فراتر قرار داده است. در اینجا حقوق جزای بین الملل مطرح است.

حقوق جزای بین الملل: علمی است که به بررسی چگونگی برخورد با جرایم داخلی که یک مولفه خارجی دارد، می‌پردازد.

شاخه های حقوق جزای بین الملل

حقوق جزای بین الملل به معنای عام آن دارای سه شاخه است:

۱. حقوق جزای بین الملل (به معنای خاص)

۲. حقوق جرایم فراملی

۳. حقوق بین الملل کیفری

۱. حقوق جزای بین الملل به معنای خاص

تعریف حقوق جزای بین الملل قدیمی (حقوق جزای داخلی که یک مولفه خارجی دارد و جرم داخلی است)

۲. حقوق جرایم فراملی (بین المللی)

جرم فراملی از جرایمی است که در حقوق کیفری داخلی و ملی به صورت قبلی وضع نشده است بلکه بر مبنای اصول و قواعد بین المللی و قرارداد میان دولت ها موظف به برخورد با آن می شوند. به عبارت دیگر به سبب جهت یا ویژگی خاصی که یک جرم دارد (به گونه ای که نظم، امنیت و مصالح یک منطقه) را به خطر می اندازد بر اساس قراردادهای انعقادی دولت های منطقه یا قراردادهای بین المللی دولت ها ملزم به اعمال مقررات ویژه ای برای مبارزه با این دسته از جرایم می شوند. ویژگی این دسته از جرایم این است که یا از طریق معاهدات بین المللی وارد حقوق جزای داخلی می شود مانند: پولشویی یا قاچاق انسان-فساد اداری بین المللی و جرایم سایبر یا اگر در حقوق جزای داخلی از قبل پیش بینی شده اند برای نظم بین المللی و منطقه ای دولت ها توافق می کنند به سبب ویژگی که دارند، اقدامات فراملی یا بین المللی را اعمال کنند مانند قاچاق مواد مخدر که از قبل داشتیم ولی کنوانسیون وین راهکار فراملی اتخاذ کرده است.

جرم فراملی: جرمی است که لاقلاً ۲ کشور را درگیر کند؛ یا از حقوق بین الملل وارد حقوق جزای داخلی می شود یا از حقوق داخلی است و فراملی می شود.

چگونه این جرایم را جرم انگاری کنند؟	
چه تدابیری باید اتخاذ شود؟	در این بخش به این پرسش ها
مبحث صلاحیت ها چگونه می شود؟	پاسخ داده می شود:
همکاری پلیس چگونه باید باشد؟	
همکاری قضایی و اداری چگونه است؟	

در این جرایم بسیاری از قواعد مسلم حقوق کیفری معکوس می شود. مثلاً اصل براءت، ورود به خلوت اشخاص، افشای اسرار و حساب بانکی شخص، دلیل بانک ملزم است ورود مبالغ هنگفت

آن دسته از قواعد حقوق بین الملل است که برای دولت ها الزاماتی را در مورد محتوای حقوق جزای داخلی آنها و نحوه همکاری با دولت های دیگر جهت مبارزه با این گونه جرایم ایجاد می کند مثلاً باید برخی از جرایم برخوردار از خصیصه های فراملی را جرم انگاری کنند. ایران تحت الزام اتحادیه اروپا و کنوانسیون مجبور به جرم انگاری پولشویی شد و یا در جرایم از راهکارهای خاصی استفاده کنند یا در قوانین کیفری خود برخی از قواعد مسلم حقوق کیفری را مورد تردید قرار دهند. (مجموعه قواعدی که در ارتباط با مبارزه با جرایم فراملی منعقد می شوند)

۳. حقوق بین الملل جزایی

جرایمی که نظم عمومی بین الملل را تهدید و به خطر می اندازد و یا علیه انسانیت و حقوق بشر اعمال می شود. مانند جرایم جنگی، نسل کشی، دزدی دریایی. در اسناد بین المللی از این جرایم تحت عنوان (More Serious Offences) یاد شده است.

ویژگی این جرایم از حیث قانون گذاری:

- یا در قوانین داخلی کشورها جرم انگاری نمی شوند.

- یا اگر جرم انگاری شوند، چون اکثراً توسط مسوولان حکومتی ارتکاب می یابد مجازات مناسبی پیش بینی نمی شود، حتی اگر پیش بینی شود چون به طور مستقیم یا غیر از مستقیم توسط حکمرانان

ارتکاب می یابند، برخورد مناسب رخ نمی دهد. لذا در اساسنامه رم صلاحیت خود را تکمیلی دانسته تا در امور داخلی کشورها دخالت نکند و خود آن دولت بر خورد کند، اما اگر دولت نخواهد یا نتواند، دیوان دخالت می کند. (در این جرایم مرور زمان وجود ندارد!) ماده ۵ تا ۹ اساسنامه رم

لذا چنین جرایمی از سال ها قبل مقرر شده که در دادگاههای کیفری بین المللی مورد محاکمه قرار گیرد. مانند دادگاه کیفری بین المللی رواندا، یوگسلاوی، نورنبرگ، توکیو، سیرالئون

ایراد اساسی همه این دادگاه ها عدم توجه به اصل قانونی بودن جرم، مجازات، دادرسی بود ولی در اساسنامه این ایراد و سایر ایرادات بر طرف شده است.

منظور قواعد و مقرراتی که یک محکمه بین المللی در صورت ارتکاب جرایم ویژه برای اعمال دادرسی مورد توجه و اجرا قرار می دهد و لذا با توجه به اینکه این سری از جرایم مغایر نظم عمومی بین المللی هستند زیرا احساسات بین المللی را به طور جدی جریحه دار می کنند. عنوان (حقوق بین الملل جزایی) بدان داده شده است.

منابع

منابع حقوق جرایم فراملی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. منابع داخلی

۲. منابع بین المللی

منبع حقوق بین الملل کیفری عبارت است از منابع بین المللی، به عبارت دیگر در حالی که در حقوق جزای بین المللی منبع حقوق کیفری داخلی است در حقوق بین الملل کیفری منبع عبارت است از معاهدات، پروتکل ها، عرف و اخلاق حسنه بین المللی است گرچه احیاناً و به ندرت اصول حاکم بر حقوق داخلی کشورهای پیشرفته مورد توجه قرار می گیرد. ماده ۲۱ اساسنامه رم^۲ در مرحله نخست

۲. ماده ۲۱ - قوانین حاکم

(۱) دادگاه قوانین ذیل را به کار خواهد گرفت:

(الف) در درجه اول، این اساسنامه، عناصر جرم و آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی؛

همین اساسنامه را عمل می کند و در صورتی که این وجود نداشته باشد آنگاه اصول کلی حقوق که از قوانین داخلی کشورها استخراج می کند.

تفاوت	حقوق جزای بین الملل (به معنی خاص)	حقوق بین الملل کیفری
موضوع	جرایم مانند قتل و سرقت...	جرایم بین المللی (یعنی جرایمی که یا نظم عمومی بین المللی را به طور جدی به مخاطره می اندازد یا احساسات بشری را جریحه دار کند)
منبع	قوانین داخلی و ممکن است در مواردی به طور خاص کنوانسیون های بین المللی مربوطه مورد استناد واقع شوند.	اسناد، کنوانسیون ها، عرف و تفاهم بین المللی منبع تلقی می شوند.

پارادوکس کیفری و بین المللی بودن

حقوق کیفری ضمانت اجرای محکم و سخت دارد ولی حقوق بین الملل ضمانت اجرای محکمی ندارد.

این پارادوکس در حقوق بین الملل کیفری وجود دارد زیرا حقوق بین الملل دارای ضمانت کیفری شده است البته مدتی است که با مانند اساسنامه رم این حقوق هم دارد دارای ضمانت اجرا می شود. در حقوق جزای بین الملل این پارادوکس کمتر است.

ب) در درجه دوم، در صورت مناسبت، معاهدات و اصول و مقررات قابل اعمال حقوق بین الملل، از قبیل اصول پذیرفته شده حقوق بین الملل در مورد منازعات مسلحانه؛

ج) در صورت عدم امکان به کارگیری قوانین فوق، اصول کلی حقوقی که توسط دادگاه از قوانین ملی دستگاه های حقوقی جهان در موارد مربوطه، استخراج گردیده است، از قبیل قوانین ملی کشورهای که معمولاً بر روی این نوع جرایم اعمال صلاحیت می کنند، مشروط بر آنکه آن اصول تناقضی با این اساسنامه و با حقوق بین الملل و معیارها و استانداردهای شناخته شده جهانی نداشته باشند.

۲) دادگاه می تواند اصول و مقررات حقوقی را به شکلی که در تصمیمات قبلی تعبیر گردیده، به کار بندد.

۳) تطبیق و تفسیر قوانین به موجب این ماده، باید با قوانین شناخته شده بین المللی حقوق بشر مطابقت داشته و بدون هرگونه تبعیض و تعارض منبعت از دلایلی چون جنسیت آنطور که در ماده ۷، بند ۳ تعریف شده، سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی و غیره، منشاء ملی، قومی یا اجتماعی، ثروت، وضعیت تولد یا امثالهم صورت گیرد.

صلاحیت

در حقوق جزای بین الملل مهمترین بحث، بحث اصول صلاحیتی است.

تعریف صلاحیت

در حقوق داخلی و از نظر آیین دادرسی کیفری عبارت است از توانایی و شایستگی قانونی و همین طور تکلیف مرجع قضایی برای رسیدگی به یک دعوی کیفری (تعریف دکتر آشوری) یا اختیاری که به موجب قانون برای مراجع کیفری برای رسیدگی به یک پرونده کیفری ایجاد شده است (تعریف دکتر آخوندی).

اما در حقوق جزای بین الملل صلاحیت عبارت است از قابلیت و شایستگی اعمال قوانین جزایی یک کشور در رسیدگی به جرایمی که در آن یک مولفه فراملی وجود دارد.

هر دولتی برای اینکه بتواند یک موضوع کیفری را تعقیب کند باید:

- ۱- تقنینی
 - ۲- قضایی
 - ۳- اجرایی
- انواع صلاحیت

۱. صلاحیت تقنینی

شاید در بادی امر به نظر برسد صلاحیت قانون گذاری باشد، اما منظور ما در اینجا صلاحیت اعمال قانون است. صلاحیت این است که چه قانونی اجرا شود. لذا در مبحث اصول مربوط به صلاحیت در قلمرو بین المللی، صلاحیت تقنینی به معنای تعیین قانون قابل اجرا است. این صلاحیت قلمرو یا دامنه اجرای قانون کیفری را در مکان معین می کند.

اگر یک ایتالیایی در فرانسه مرتکب جرمی شد آیا قانون ایران نسبت به این جرم قابل اجرا است یا خیر؟ به طور کلی خیر مگر آنکه جرم علیه منافع حیاتی ایران باشد.

۲. صلاحیت قضایی

به قدرت دادگاه‌های یک کشور خاص برای محاکمه دعاوی که در آن عوامل خارجی حضور دارند مربوط می‌شود به عبارت دیگر صلاحیت قضایی به معنای اختیار و شایستگی و تکلیف دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به دعاوی مطروحه در مورد اشخاص یا اموال یا وقایع حقوقی می‌باشد. آنچه که در صلاحیت قضایی در حقوق جزای بین الملل مورد بحث است این است که در مورد جرمی که یک عنصر بیگانه در آن دخیل است دادگاه و قاضی کدام کشور صلاحیت رسیدگی به این امر جزایی را دارد؟

در این مقام توجه به این نکته لازم است که صلاحیت قضایی اگر چه معمول به سرزمین وابسته است ولی در حقوق جزای بین الملل تعیین قانون صالح لزوماً بر قاضی و دادگاه صالح مقدم است و در حقیقت صلاحیت قضایی از صلاحیت تقنینی تبعیت می‌کند.

در حقوق بین الملل خصوصی ممکن است دادگاه صالح دادگاه ایران باشد ولی قانون صالح قانون ایران نباشد؛ اما در حقوق کیفری مطلقاً این طور نیست زمانی دادگاه صالح است که قانون صالح باشد دادگاه ایران در صورتی صالح است که قانون حاکم قانون ایران باشد. علت آن است که حقوق جزا حقوق نظم عمومی و خط قرمزهاست و نمی‌تواند دادگاه کیفری یک کشور قوانین و خط قرمزهای کشور دیگر را اعمال کند.

صلاحیت قضایی ← تابع ← صلاحیت تقنینی

گفته می‌شود در تعارض قوانین قاضی اختیار اعمال بهترین قانون را دارد. در حقوق کیفری قاضی دادگاه بهترین قانون را قانون کشور خودش می‌داند.

(جهت مطالعه مراجعه کنید به: کتاب دکتر اسحاق آل حبیب، ایشان در انتهای «مجموعه مقالات حقوق بین الملل کیفری»، متن کامل اساسنامه رم را آورده است.)

۳. صلاحیت اجرایی

صلاحیت یک کشور برای اجرای قرارها و احکام کیفری خودش است. به این معنا که حکمی صادر شده (مثلاً شخص ایتالیایی یا فرانسوی که در ایران مرتکب قتل شده، محکوم به قصاص یا حبس ۳ تا ۱۰ سال محکوم می شود. شکی نیست که این حکم قابل اجراست. بحث این است که آیا این حکم در فرانسه هم قابل اجرا است؟ آیا احکام صادره از محاکم ایرانی قابلیت اجرایی در کشورهای دیگر دارد و بر عکس این یک بحث جدی در حقوق جزای بین الملل است، بخصوص پس از کنوانسیون پالمو و بحث «انتقال محکومین».

انتقال محکومین (Transportation of Convicted): عبارت است از انتقال محکومان از یک کشور به کشور خودشان برای اجرای مجازات؛ مثلاً برای کشیدن حبس در کشور خودشان.

عدم امکان اجرای قانون خارجی در محدوده کشور دیگر نشان دهند استقلال و اقتدار حاکمیت یک کشور است. اجرای حکم جزایی خارجی در حقیقت به منزله قبول قانون جزایی خارجی و شناسایی صلاحیت قاضی خارجی است که پذیرش این دو مطلب باعث بی رنگ شدن حاکمیت داخلی می شود. از این رو در مسائل جزایی اصل عدم اعتبار قانون جزایی خارجی جاری است، مگر اینکه بین کشور ما و آن کشور تفاهم نامه‌ای در مورد معامله متقابل وجود داشته باشد. بنابراین اگر دولتی بخواهد قانون خودش را در کشور دیگر اجرا کند، عملش خلاف عرف بین الملل محسوب و محکوم شده است.

آدولف آیشمن^۳ از سران نازی ها در جنگ جهانی دوم و مسوول اداره یهود بود و سهم خاصی در قتل عام یهودیان داشت با نام مستعار در آرژانتین زندگی می کرد. ماموران مخفی اسرائیل او را دزدید و بدون اطلاع دولت آرژانتین در محموله های سیاسی به اسرائیل منتقل کردند.

^۳ آدولف اتو آیشمن (به آلمانی: Adolf Otto Eichmann) مسئول «اداره امور مربوط به یهودیان» در «دفتر مرکزی امنیت رایش» بود. وی که از افسران بلندپایه حزب نازی بود، در جریان جنگ جهانی دوم، دستور فرستادن بسیاری از یهودیان را به «کوره های آدم سوزی» صادر کرده بود. وی پس از شکست آلمان نازی در جنگ جهانی دوم، موفق شد تا به همراه خانواده اش به آرژانتین فرار کند، اما توسط موساد شناسایی شد و توسط یک گروه کماندویی متشکل از افسران موساد و شاباک، ربوده و به اسرائیل آورده شد. وی در دادگاهی در اورشلیم به ۱۵ جرم مختلف که مهم ترین آن ها «جنایت بر علیه قوم یهود»، «جنایت علیه بشریت» و «جنایت جنگی در دوره ی آلمان نازی» بود، متهم و محکوم شد. وی در سال ۱۹۶۲ میلادی در اسرائیل «اعدام» شد.

اصول حاکم بر صلاحیت ها

اصول حاکم بر صلاحیت ها به چهار دسته تقسیم می شود:

- | | |
|-------------------------|-------------------|
| | ۱. صلاحیت سرزمینی |
| اصول صلاحیت فرا سرزمینی | ۲. صلاحیت شخصی |
| | ۳. صلاحیت واقعی |
| | ۴. صلاحیت جهانی |

۱. صلاحیت سرزمینی

...

۲. صلاحیت شخصی

جرم در سرزمین و قلمرو یک کشور صورت می گیرد. مثلاً یک فرانسوی در ایران مرتکب جرم می شود و نظم عمومی ایران مخدوش می شود و از طرف دیگر او چهره فرانسه را مخدوش کرده و فرانسه صلاحیت رسیدگی می یابد که بدان اصل صلاحیت شخصی می گویند.

۳. صلاحیت واقعی

جرمی در کشور خارجی توسط افرادی اعم از خارجی یا داخلی علیه منافع اساسی (حیاتی) و عالیه ایران ارتکاب می یابد

۴. اصل صلاحیت جهانی

مثلاً شخصی جرمی را مرتکب می شود که امنیت بین المللی یا احساسات جمعی بین المللی را جریحه دار می کند.

اصل صلاحیت سرزمینی

صلاحیت دولت برای رسیدگی به جرم با توجه به محل ارتکاب تمام یا بخشی از جرم تعیین می شود. یعنی دولتی که جرم در قلمرو حاکمیتش ارتکاب یافته است.

مبانی اصل صلاحیت سرزمینی

۱- عدالت و مصلحت: مصلحت یک دادرسی و اجرای عدالت در آن است که جرم در نزدیکترین مکان به جرم انجام شود... (دکتر حسینی نژاد)

۲- اهداف مجازات‌ها: دادرسی و محاکمه و سرانجام مجازات شخصی در محل ارتکاب جرم با اهداف مجازات‌ها و بلکه با اهداف حقوق جزا نزدیک‌تر است. با اعمال صلاحیت سرزمینی این اهداف حاصل می شود:

- یکی از اهداف مجازات‌ها عبرت انگیز بودن و ارعاب است.
- یکی از اهداف دیگر مجازات‌ها نیز پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه است
- یکی دیگر از اهداف مجازات‌ها تشفی خاطر آسیب دیدگان جرم (اعم از بزه دیده) است

همانطور که می دانیم بکاریا، بتنام و ... مکتب کلاسیک را بنا نهادند. کلاسیک دو گرایش اصلی دارد.

کلاسیک } اخلاق گرا یا عدالت گرا (کانت، دوستر و هگل)
 } منفعت گرا (بکاریا و بتنام)

بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها می نویسد: جرم باید در جایی کیفر داده شود که در آنجا روی داده است. علت این است که فقط در آنجا و نه در جای دیگر افراد ناگزیرند با کیفر آثار شومی را جبران کنند که در آنجا رخ داده است.

۳- حاکمیت دولت: یعنی دولت بر قلمرو ارضی خودش استیلا دارد و اگر کسی علیه نظم عمومی اقدام بکند دولت واکنش نشان می دهد. لذا دولت برای حفظ حاکمیت و ثبات اقتدار خود در مواردی

که جرم در قلمرو حاکمیتش رخ می دهد ملزم هست که در صورتی که جرمی در قلمرو حاکمیتش صورت گیرد با محاکم مرتکب و مجازاتش این اقتدار حاکمیت خودش را نشان بدهد.

این اصل در حقوق ایران در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است

مطابق ماده ۳ ق.م.ا.: «قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریائی و هوائی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه بموجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

عبارت «کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت ایران» اعم است از تابعین ایران و اتباع خارجه. هم در قلمرو قوانین شکلی و ماهوی این صلاحیت وجود دارد.

استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی

عبارت «مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد» حاکی از وجود استثنائاتی در سایر قوانین است که ذیلا به آنها می پردازیم.

۱. اصل صلاحیت سرزمینی شناور

این اصل در مورد کشتی ها و هواپیماهای متعلق به یک کشور مجری است.

۱. ماده ۳ عهدنامه حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲

۲. قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ۷۲/۱/۳۱

۳. عهدنامه ۱۹۵۸ ژنو

در مورد کشتی های تجاری:

اصل بر آن است که رسیدگی به جرایم واقع در آن بر عهده کشور صاحب پرچم است مگر در چهار مورد:

۱- هرگاه مجرم یا منجی علیه فردی غیر از کارکنان کشتی باشد.

۲- وقتی جرم نظم عمومی و آرامش را برهم زده باشد.

۳- هنگامی که ناخدای کشتی یا مقامات کشور صاحب پرچم در خواست دخالت ماموران ساحلی را بنمایند.

۴- هنگامی که در کشتی مزبور معاملات مربوط به مواد مخدر و مواد روانگردان صورت گیرد.

در مورد کشتی های جنگی:

بدون استثنا در صلاحیت دولت صاحب پرچم است. در صورت تخلف این کشتی ها حداکثر می توان خواست آن منطقه را ترک کنند.

۳ نظریه قلمرو هوایی:

۱. فضای فراز قلمرو کشورها تا ارتفاع نامحدود متعلق به این کشور است.
۲. فضای خاک کشورها اصلاً "هیچ ارتباطی به آن کشور ندارد و مانند دریایی آزاد است.
۳. تا منطقه جو متعلق به آن کشور است و بالای جو مانند دریای آزاد است. ← این نظریه

امروزه در حقوق بین الملل پذیرفته است!

* اگر جرمی در هواپیمایی که از فراز ایران می گذرد رخ دهد چه کشوری صالح به رسیدگی است؟

ملاک ثبت شدن است. کشوری که هواپیما در آنجا ثبت شده صالح به رسیدگی است.

کنوانسیون توکیو در فصل دوم صلاحیت، ماده ۳ مقرر می دارد:

«۱- دولت ثبت کننده هواپیما، برای رسیدگی به جرائم و اعمال ارتكابی در هواپیما صالح می باشد.

۲- هر یک از دول متعاقد، اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود به عنوان دولت ثبت کننده در مورد رسیدگی به جرائم ارتكابی در هواپیمایی که نزد او به ثبت رسیده است معمول خواهد داشت.

۳- این کنوانسیون به هیچ یک از صلاحیتهای جزایی که به موجب قوانین داخلی اعمال می گردد خللی وارد نمی کند.»

ماده ۴ همان کنوانسیون مقرر داشته دولت های دیگر در خصوص هواپیمایی که بر فراز قلمروشان در حال پرواز است در مورد جرایم واقعه در آن حق مداخله ندارند، مگر اینکه (۵ مورد استثناء شده)

۱. آثار جرم متوجه دولت سرزمینی گردد که هواپیما بر فراز آن پرواز می کند (مثلا برای قاچاق کوکائین به پاکستان برای وارد کردن به ایران یا مانند قضیه ریگی)

۲. تبعه یا فرد مقیم آن کشور مرتکب جرم گردد (یک ایرانی مرتکب جرم شود)

۳. جرم علیه امنیت آن کشور ارتکاب یابد.

۴. جرم ناقص قوانین هوانوردی آن دولت گردد. (عدم رعایت کرایدورهای هوایی)

۵. اعمال صلاحیت برای تعهدات ناشی از یک موافقتنامه چند جانبه بین المللی برای آن دولت ضروری باشد.

همچنین مطابق ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸: «به جنبه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتکاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهند کرد:

الف - جرم محل انتظامات یا امنیت عمومی ایران باشد.

ب - متهم یا مجنی علیه تبعه ایران باشد.

ج - هواپیما بعد از وقوع جرم در ایران فرود آید.

در هر یک از موارد بالا رسیدگی در دادگاه محلی که هواپیما در آن محل فرود آمد یا دادگاه محلی که متهم در آن دستگیر شود به عمل خواهد آمد.»

۲. سفارتخانه

استثناء دوم بر اصل صلاحیت سرزمینی سفارت خانه ها هستند. اگر سفارتخانه را بخشی از کشور میزبان (ایران) بدانیم، جرم در کشور میزبان (ایران) تلقی و محاکم ایران صالح به رسیدگی خواهند بود. اگر سفارتخانه را بخشی از کشور مهمان بدانیم، جرم ارتكابی در کشور مهمان تلقی و محاکم آن کشور

صالح به رسیدگی هستند. به عنوان مثال چند ایرانی که برای گرفتن ویزا به داخل سفارت آلمان رفته اند اگر در داخل آن سفارت با یکدیگر درگیر شوند و قتلی رخ می دهد، دادگاه کدام کشور صالح به رسیدگی است؟

از سده ۱۷ میلادی سفارتخانه را بخشی از کشور مهمان می دانستند اما بعدها دیدند این چالش های ایجاد می کند. مثلاً در سفارتخانه کشورهای اروپایی که سیستم خاک را پذیرفته اند، اگر زنی در سفارتخانه (مثلاً سفارت آلمان) زایمان کند، آیا فرزندش آلمانی تلقی می شود؟ هیچ کشوری این را نپذیرفته است.

همین طور پناهندگان سیاسی، عقیدتی و ... در سفارتخانه نمی توانند پناهنده شوند و فقط در کشور آنها پذیرفته می شوند. دانیل اورتگا متهم شد جرایمی را علیه دولت آمریکا صورت می دهد و آمریکا به نیکاراگوئه حمله می کند و او به سفارت واتیکان پناهنده می شود و آنها نمی پذیرند و می گویند در عرف بین الملل پناهندگی به سفارتخانه پذیرفته نشده است.

برخی مصونیت قضایی دیپلمات ها را دلیل بر این می گرفتند که سفارتخانه خاک کشور مهمان است. این دلیل قابل رد است به این علت که اگر دیپلمات ها در خارج از سفارتخانه هم مرتکب جرم شوند، قابل تعقیب نیستند. ولی مسلم است که آنجا خاک کشور مهمان نیست.

امروزه پذیرفته شده که سفارتخانه ها به عنوان بخشی از سرزمین دولت صاحب سفارتخانه تلقی نمی شوند. در نتیجه جرایمی که در آن رخ می دهد در قلمرو کشور میزبان صورت می گیرد و مجرمینی که به سفارتخانه یک کشور پناهنده می شوند آن سفارتخانه ملزم به استرداد است.

به عنوان مثال یکی از اتباع افغانستان سفیر را در سفارتخانه افغانستان در آلمان به قتل رساند. دولت آلمان اعلام صلاحیت کرد و آن شخص را در آلمان مورد محاکمه و مجازات قرارداد / مشابه این در سفارتخانه بلغارستان رخ داد. در فرانسه یکی از اتباع بلغارستان یک دیپلمات کشورش را تهدید به مرگ کرد و آن دیپلمات علیه او در دادگاه فرانسه طرح شکایت کرد.

ماده ۲۲ کنوانسیون وین درباره روابط سیاسی مصوب آوریل ۱۹۶۱ که ایران در ۱۳۴۳ (۱۹۶۷) به این کنوانسیون ملحق شده، مقرر می دارد: «اماکنی ماموریت مصونیت دارند و ماموران کشور پذیرنده جز با رضایت حق ورود ندارند. وسایل نقلیه مصون از تفتیش و مصادره است.»

اگر یک وسیله نقلیه سفارت انگلیس حاوی سلاح یا مواد منفجره به سمت یک شهر در حال درگیری در ایران در حال حرکت باشد. آیا می توان این خودرو را متوقف و تفتیش نمود؟

ماده واحده لایحه قانون راجع به محموله های سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی ایرانی و خارجی مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۸ در صورتی که مقامات گمرکی و یا سایر مقامات دولتی یا..... نسبت به محموله های سیاسی و یا حجیم فوق العاده و یا لوازم شخصی نماینده مظنون باشند موظفند مراتب فوراً به وزارت خارجه اعلام و به نماینده وزارت خارجه که در ساختمان دولت در فرودگاه مستقر خواهد بود.....

نتیجه اینکه ماده ۲۲ سفارتخانه را بخشی از خاک کشور میزبان می داند نه مهمان.

ماده ۲۹ همان قرارداد: مصونیت شخصی نماینده را بیان می دارد.

ماده ۳۱ مصونیت جزایی دارد. مجبور به ادای شهادت نیست. مبادرت به هیچ گونه عملیات اجرایی نخواهد شد مگر (عملیات اجرایی مدنی) مصونیت قضایی در کشور پذیرنده موجب معافیت در کشور فرستنده معاف نمی کند.

همین طور نگاه کنید به کنوانسیون راجع به جلوگیری از جرایم علیه اشخاص من جمله ماموران دیپلماتیک ۱۹۷۳ که ایران در ۱۳۵۷ بدان پیوست.

در ارتباط با مناطق جنگی

در قسمت اشغالی سرزمین، رسیدگی به جرم ارتکاب یافته در صلاحیت محاکم کشور اشغال کننده است یا کشور اشغال شده؟ مثلاً عراق مدتی در اشغال آمریکا بود یا بخش هایی از خاک ایران مدتی در اشغال عراق بوده است.

چند فرض داریم:

۱. مداخله نظامی دوستانه است یا عدوانی؟ دوستانه مانند مداخله عربستان در بحرین که بر اساس توافق نامه کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

اگر مداخله دوستانه باشد ← تمامی جرایم ارتكابی در صلاحیت دولت اشغال شده است.

اگر مداخله عدوانی باشد دو صورت دارد: اشغال کاملاً استقرار تثبیت شده ی بین المللی یافته (مانند نخجوان) صلاحیت سرزمینی کشور اشغال کننده را ایجاد می کند؛ یا اشغال تثبیت شده نیست (مانند تصرف خرمشهر توسط عراق) جرایم ارتكابی در منطقه اشغالی در صلاحیت محاکم کشور اشغال شده است به جز یک سری از جرایم مانند جرایم علیه سربازان و نیروهای نظامی و عدوات نظامی و نیز جرایم جنگی ارتكابی توسط سربازان کشور اشغال کننده.

اصول صلاحیت فرا سرزمینی

اگر یک ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرم شده، به ایران فرار کند چه دادگاهی صالح است؟
اگر یک ایرانی در کشتی که در دریای آزاد بدون پرچم حرکت می کند، مرتکب قتل شود و بعد وارد ایران شود، دادگاه ایران بر چه اساسی می تواند او را محاکم کند؟
اگر غیر ایرانی علیه ایران در کشور دیگری اقدام کند مثلاً برای تجزیه ایران، آیا دادگاه ایران می تواند آنها را محاکم کند؟

۱. اصل صلاحیت شخصی (The principle of personal jurisdiction)

هر کشوری این حق را دارد که نسبت به اتباعش که در خارج از کشور مرتکب جرمی شده اند و یا در خارج از کشور بزه دیده جرم شده اند، در صورتی که شخص بزهکار در کشور متبوع بزه دیده یا در کشور متبوع خودش یافت شود، او را مورد محاکم و مجازات قرار دهد.

بنابراین اصل صلاحیت شخصی قلمرو صلاحیتی یک کشور را از حیث قضایی و تقنینی به خارج از کشور گسترش می دهد. مثلاً یک ایرانی در فرانسه مرتکب کلاهبرداری شدید می شود و قبل از دستگیری به ایران یا پاکستان می گریزد و ایران او را دستگیر می کند و به دلیل اصل (قبیح استرداد اتباع) او را به فرانسه نمی دهد.

اصل صلاحیت سرزمینی بر دو نوع است:

۱. فعال (مثبت): در صورتی است که بزهکار تابع ایران باشد.
 ۲. انفعالی (منفی): در صورتی است که بزه دیده تابع ایران باشد. در حال حاضر در قانون مجازات اسلامی این مورد را نداریم ولی در لایحه جدید قانون مجازات پیش بینی شده است.
- علت شخصی نامیدن این اصل: قانون جزای هر کشور یک قانون شخصی است و افراد ملت به هر جای دنیا که سفر می کنند این قانون مانند سایه به همراه آنها است.

مخالفتان اصل صلاحیت سرزمینی

این اصل هر چند در حقوق جزای بین الملل پذیرفته است ولی مخالفتان جدی داشته است. برخی از این مخالفتان عبارتند از: ۱. ژان ژاک روسو: خروج تابع یک کشور از آن به معنی خروج از قرارداد اجتماعی آن جامعه است و قوانین کیفری آن جامعه علیه او قابل استناد نیست. ۲. بکاریا هم از مخالفتان اصل صلاحیت شخصی بود. درست به همان دلیل که در اصل صلاحیت سرزمینی از او نقل قول کردیم.

مبانی اصل صلاحیت شخصی

۱. اعمال عدالت :

در مکتب نئوکلاسیک فلسفه دخالت قاضی و محاکم اشخاص صرفاً اعمال عدالت است. گرچه عدالت کیفری مقتضی محاکم در محل وقوع جرم است ولی در صورتی که مجرم به کشوری پناه می برد که امکان اعمال صلاحیت سرزمینی نیست آن وقت عدالت کیفری نباید تعطیل شود و باید اعمال شود که مناسب ترین مکان کشور متبوع مجرم است.

۲. وظیفه حمایتی دولت نسبت به شهروندانش:

فرقی نیست که شهروند داخل کشور باشد یا خارج از کشور فلسفه تاسیس سفارتخانه ها و کنسولگری ها هم همین است. دولت در مقابل توقع دارد که شهروندانش قوانین داخلی را تا جای ممکن اجرا کنند و اگر اجرا نکنند بلکه خط قرمزی های کشور خود را زیر پا بگذارند به گونه ای که این عمل آنجا جرم باشد و محاکمه نشوند دولت حق محاکمه آنها را دارد.

۳. دفاع از حیثیت و اعتبار کشور:

اشخاصی که در کشور دیگری حضور می یابند نماینده کشور خود هستند و کسی که در کشور دیگری مرتکب جرمی می شود که در آن کشور نیز جرم است به آبروی و حیثیت کشور دولت خود صدمه می زند و دولت به خودش حق می دهد او را دستگیر و محاکم کند.

سه مبناي ديگر هم در کتب ذکر شده است.

شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی

این شرایط از عرف بین المللی استنتاج می شود و بعضاً در قوانین داخلی کشورها نیز ذکر می شود:

۱. حضور متهم در داخل کشور متبوع خودش

قبل از حضور در کشور خودش دستگیری و خلاف نزاکت بین المللی است. بنابراین محاکمه غیابی در اصل صلاحیت شخصی امکان پذیر نیست.

حضور سه حالت دارد:

۱. حضور ارادی: شخص به اراده و اختیار خودش به ایران بازگردد.

۲. حضور غیر ارادی قانونی: شخص به اراده خود بازنگشته ولی از طرق قانونی بازگردانده شده است. مانند استرداد

۳. حضور غیر ارادی غیر قانونی: مانند پرونده آیشن

پرسش: دستگیری عبدالمالک ریگی از کدامیک از موارد فوق است؟

پاسخ: بر اساس کنوانسیون توکیو (ماده ۴) حضور غیر ارادی قانونی بوده است.

۲. جرایم سنگین

در عرف بین الملل پذیرفته شود که از مجازات جرایم کم اهمیتی که در خارج از کشور اتباع آن کشور مرتکب می شوند، بپرهیزند؛ زیرا این شخص اولاً و بالذات نظم عمومی کشور محل وقوع جرم را برهم زده است و ثانیاً نظم کشور خودش. در نتیجه به صلاح نیست جرایم خفیف و کوچک او را پی گیری کنند.

به عنوان مثال در قانون جزای فرانسه ۱۹۹۲ اصل صلاحیت شخصی را برای ارتکاب جنایات در خارج از کشور به رسمیت می شناسد. در حقوق فرانسه جنایت به جرایم دارای مجازات سنگین اطلاق می شود. در جنحه ها نیز با تقاضای دادستان پس از شکایت قربانیان یا شکایت کشوری که جرم در آن واقع شده است، صلاحیت شخصی اعمال می شود.

در انگلستان موارد اعمال صلاحیت شخصی در قانون بر شمرده شده است مانند قتل عمد، خیانت های بزرگ. در حقوق ایتالیا نیز موارد اعمال صلاحیت شخصی احصاء شده است. مانند تعدد زوجات. در حقوق ایران ماده ۷ قانون مجازات اسلامی فعلی، اصل صلاحیت شخصی را بیان می کند.

۳. داشتن عنوان مجرمانه در هر دو کشور

مطابق موازین بین الملل زمانی اعمال صلاحیت شخصی معتبر است که عمل ارتكابی در هر دو کشور جرم دانسته شود. علت این شرط آن است که اگر جرم در اینجا (ایران) جرم نباشد امکان تفهیم اتهام وجود ندارد و اگر در آن کشور جرم نباشد به حیثیت کشور ما لطمه ای وارد نمی شود.

۴. عدم رسیدگی قبلی

اگر شخصی در کشوری که مرتکب جرم شده، محاکمه و مجازات شده باشد، قاعده منع تعقیب و محاکمه مجدد اقتضا می کند که شخص برای جرمی که مرتکب شده فقط یک بار تعقیب و محاکمه و مجازات شود. البته یک استثناء در حقوق کیفری ایران وجود دارد (ارتکاب جرایم شرعی خاص به دلیل عدم اعمال مجازات های شرعی در آن کشور امکان اعمال مجازات شرعی وجود دارد).

مثال: درگیری دو ایرانی در ژاپن موجب کور شدن یکی از ایرانی ها و محاکمه و مجازات حبس جانی در ژاپن شد. مجنی علیه پس مراجعت به ایران مجدداً طرح دعوی و مطالبه دیه کرد که دادگاه ایران جانی را به پرداخت دیه محکوم کرد. ماده ۲۰ اساسنامه رم^۴ که منع محاکمه مجدد را مطرح می کند همانجا ذکر می کند در موارد خاصی می توان محاکم مجدد رخ دهد.

۴. ماده ۲۰ - عدم محاکمه مضاعف برای ارتکاب جرم واحد

(۱) به جز مواردی که در این اساسنامه مقرر شده، هیچ شخصی نباید در ارتباط با عملی که اساس جرمی بوده که فرد به اتهام ارتکاب آن در دادگاه محکوم و یا تبرئه گردیده است، در برابر این دادگاه محاکمه شود.

(۲) هیچ شخصی نباید برای جرایمی که در ماده ۵ به آنها اشاره شد و قبلاً به اتهام ارتکاب آنها توسط دادگاهی محکوم یا تبرئه گردیده است، مجدداً محاکمه گردد.

(۳) هیچ شخصی که توسط دادگاهی دیگر برای عملی مورد محاکمه قرار گرفته که آن عمل بر طبق مواد ۶، ۷، و ۸ هم جرم تلقی شده، نباید توسط دادگاه برای ارتکاب همان عمل مورد محاکمه قرار گیرد، مگر آنکه مراحل دادرسی در دادگاه دیگر:

(الف) به منظور محافظت از شخص ذریبط در برابر مسئولیت کیفری برای جرایمی که در حیطه قضایی این دادگاه است صورت گرفته باشد؛ یا
(ب) مستقلاً یا بی طرفانه و بر طبق معیارهای تشریفات حقوقی شناخته شده توسط حقوق بین الملل اجرا نشده است و به صورتی به اجرا درآمده که با توجه به شرایط موجود، همخوانی و تطابق با قصد اجرای عدالت در مورد فرد ذریبط نداشته است.

۵. عدم برخورداری متهم از موارد معافیت یا اسقاط مجازات‌ها

مثلاً یک ایرانی در فرانسه مرتکب جرم شده و بعد از مدتی در ایران دستگیر شده ولی جرم وی مشمول مرور زمان شده باشد یا در ۱۴ سالگی در آنجا مرتکب جرم شده باشد؛ چون شرایط مسوولیت کیفری در آنجا یا اینجا را نداشته قابل مجازات نیست.

این شرایط هر چند در حقوق بین الملل ضروری هستند اما در حقوق ایران ممکن است بدانها اشاره نشده باشد.

در ماده ۶ و ۷ ق.م.ا به آنها پرداخته شده است.

ماده ۶ صرفاً ارتباط دارد به صلاحیت شخصی در مورد نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور

ماده ۷ در مورد عموم مردم است. صرفاً به سه مطلب اشاره کرده است که دو شرط از آن ۵ شرط است:

۱. مجرم باید ایرانی باشد. این مورد ضرورت ندارد جزو شروط باشد!

۲. جرم در خارج از کشور ارتکاب یافته باشد. (در داخل اصل صلاحیت سرزمینی است)

۳. در ایران یافت شود.

به این شروط اشاره نشده است:

۱. مجرمیت متقابل

۲. اهمیت جرم ارتکابی ← رویه به جرایم مهم اختصاص یافته هر چند قانون اطلاق دارد

۳. منع تعقیب مجدد ← رویه قضایی بدان پایبند است و تنها در جرایم شرعی استثناء پذیرفته شده است

با توجه به اصل منقح بودن یا شفاف بودن قوانین (principle of clarity of law) بهتر است این موارد هم در قانون می آمد. در ماده ۷ لایحه جدید که ۹۱/۱/۲۱ به رئیس جمهور ابلاغ شد

راننده اتوبوس به علت سهل انگاری و بی احتیاطی در ترکیه تصادف می کند و موجب مرگ مسافران می شود و محاکمه می شود و به زندان می افتد پس از بازگشت در ایران مجدد توسط اولیاء دم مورد تعقیب قرار می گیرد و محاکمه می شود. وکیل به منع محاکمه مجدد استناد می کند ولی قاضی استدلال می کند اگر این اصل در حقوق پذیرفته باشد در قوانین شرعی پذیرفته نیست! او را به حبس و دیه محکوم می کند و چون حبس را کشیده بود مجدداً به حبس نمی فرستند ولی بیمه دیه را می پردازد.

شرایط ماده ۷ لایحه جدید

بند ۱ ماده ۷: مجرمیت متقابل

بند ۲ ماده ۷: منع محاکم مجدد (در جرایم تعزیری)

بند ۳ ماده ۷: عدم برخورداری متهم از موارد معافیت یا اسقاط مجازات

اصل صلاحیت شخصی منفی یا انفعالی

(The passive personality principle)

یک دولت ممکن است قوانین کیفری خود را نسبت به افعال مجرمانه ای که علیه شهروندانش به وسیله اتباع بیگانه و در خارج از کشور اتفاق افتاده، تعقیب کند. این جنبه اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت قربانی جرم است

این اصل عبارت است از گسترش صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایمی که در خارج از کشور و به وسیله بیگانگان علیه اتباع یک کشور ارتکاب می یابد. برخلاف اصل صلاحیت فعال، همه کشورها آن را نپذیرفته اند از جمله ایران در قانون مجازات فعلی. این بسیار بد است زیرا وظیفه یک دولت حمایت از اتباعش در خارج است.

مبانی پذیرش جنبه منفی

۱. ضرورت حمایت از منافع اتباع

همانگونه که شهروندان در مقابل حکومت و دولت تکلیف دارند، دولت هم در قبال آنها تکلیف دارد. لذا در صورت ارتکاب جرم در مورد تبعه یک کشور علاوه بر خود شخص، دولت متبوع او نیز زیان دیده تلقی می شود. بنابراین باید دولت برای حمایت از اتباع خود اقدام کند و اگر دولت بی تفاوت باشد دینش را ادا نکرده است.

۲. ضرورت دفاع از حیثیت دولت در عرصه بین المللی

دولتی که از اتباع خود در خارج از کشور حمایت نمی کند، در عرصه بین المللی یک دولت ضعیف تلقی می شود. بعضاً اتباع یک کشور در خارج از آن کشور مثلاً در ایران مورد بزه دیدگی قرار می گیرد. هم دولت ایران بیشتر دقت می کند هم تبعه آن کشور احساس امنیت می کند. در قضیه زهرا کاظمی دولت کانادا بسیار پیگیر بود و حتی تقاضای محاکمه در کانادا را داشت. در حالی که کاظمی تابعیت دوگانه داشت و تبعه ایران نیز بود.

ماده ۸ لایحه قانون مجازات جدید این حق را به رسمیت شناخته است.

اصل صلاحیت واقعی یا حمایتی (protective principle)

اعمال این اصل در مواردی است که جرمی در خارج از کشور علیه منافع حیاتی و اساسی کشور ارتکاب یافته باشد. منافع حیاتی یا اساسی اموری است که قوام کشور به آنها وابسته است مانند استقلال، تمامیت ارضی، ثبات اقتصادی، امنیت داخلی و خارجی در ماده ۵ ق.م.ا فعلی بیان شده است. در ماده ۵ لایحه جدید هم با یک مقدار تغییرات جزئی آمده است.

تعریف اصل صلاحیت واقعی

اصل صلاحیت واقعی عبارت است از توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرائمی که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور علیه منافع حیاتی و اساسی آن کشور ارتکاب یافته باشد.

مبانی اصل صلاحیت واقعی

۱. دفاع مشروع

ماده ۶۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ (و ماده ۶۲) و ماده ۱۵۵ لایحه مجازات جدید، ۴ شرط برای دفاع مشروع بیان کرده اند.

دفاع مشروع در حقوق داخلی تفاوت هایی را با حقوق بین الملل دارد. در حقوق داخلی تجاوز و خطر باید فعلیت داشته باشد و قریب الوقوع باشد ولی اگر تمام شد و واقع شد دیگر قابل اعمال نیست. در حقوق بین الملل مساله متفاوت است. در جایی که یک کشور یا گروهی مرتکب جرم علیه منافع حیاتی یک کشور شود، حتی اگر به پایان رسیده باشد. تهدید و خطر آن کماکان وجود دارد و مقابله با این افراد امکان پذیر است.

۲. لزوم حفظ نظم عمومی داخلی

ارتکاب جرائم علیه منافع حیاتی یک کشور به لحاظ ایجاد اختلال در خارج مانند انجام آن در داخل کشور است. مانند جعل اسناد بانکی الزام آور کشور، جعل اسکناس کشور و... این جرائم به صورت جدی نظم عمومی داخلی را به خطر می اندازد.

شاید مهم ترین آنها جرایمی است که علیه امنیت داخلی و خارجی و علیه استقلال و تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور صورت می گیرد. در چنین مواردی نظم عمومی داخلی برهم می ریزد و دولت موظف به تثبیت نظم داخلی از طریق محاکمه مرتکبین این سری از جرایم است.

۳. لزوم حفظ اقتدار کشور

این دسته از جرایم اقتدار آن کشور را در خارج مخدوش می کند. در این صورت دولت برای حفظ حاکمیت و اقتدار خود ملزم به این است که مرتکبان این سری از جرایم را مورد محاکم قرار دهد.

شرایط اصل صلاحیت واقعی

۱. وقوع جرم در خارج از کشور

۲. جرایم خاصی مورد ارتکاب واقع شود.

جرایم خاص عبارتند از جرایمی که به نحوی منافع و مصالح کشور را به خطر می اندازد. اما جرایم کوچکی مانند خلاف یا حتی جنحه مشمول اصل صلاحیت واقعی نیستند.

۳. حضور مجرم در کشور است.

برخی از کشورها این شرط را مطرح کرده اند که قانون کیفری ایران هم در ماده ۵ ق.م.ا. این شرط را پذیرفته است. اما رویه بین المللی این شرط را لازم نمی داند. پس محاکمه غیابی امکان پذیر است. زیرا مصالح حیاتی کشور مورد تعرض قرار گرفته است. بنابراین حتی اگر آن شخص مرتکب در خارج باشد قابل محاکمه است. قانون مجازات فرانسه در سال ۱۹۹۲ با تغییر موضع خود این شرط را حذف نموده است. ماده ۱۱۳-۱۰ ظاهرش این است که محاکمه آن شخص مرتکب فایده ای ندارد، ولی این می تواند دو فایده داشته باشد: ۱. مقابله نمادین دارد؛ ۲. در استرداد مجرمان یعنی استرداد مجرمان زمانی است که شخص قبلاً محاکمه و مجرم شناخته شده باشد نه متهم!

شروط پذیرفته نشده

۱. بیگانه بودن شخص مرتکب

برخی از حقوقدانان شرط چهارمی را مطرح کرده‌اند که عبارت است از (بیگانه بودن شخص مرتکب) قاضی فریدالزغبی در کتاب الموسوعه الجزائیه می نویسد: به هر حال تبعه لبنانی بودن مرتکب جرایم مشمول اصل صلاحیت شخصی خواهد بود تا اصل صلاحیت واقعی.

اشکال این سخن آن است که جرمی که توسط شهروندان یک کشور در خارج رخ می دهد بر دو نوع است: ۱. علیه منافع حیاتی کشور است که اصل صلاحیت واقعی اعمال می شود؛ ۲. از جرایم عادی است که اصل صلاحیت شخصی اعمال می شود.

دلیل این مطلب آن است که ما (مجرمیت متقابل) را شرط دانستیم همین طور محاکمه نشدن را نیز شرط دانستیم حال در رابطه با جرایم علیه منافع حیاتی ایران مانند جاسوسی علیه ایران (مثلاً اطلاعات فناوری هسته‌ای ایران) اولاً در فرانسه این را جرم نمی دانند و مجرمیت متقابل محقق نخواهد بود. در نتیجه شخصی که فرانسوی است و جاسوسی کرده را با اصل صلاحیت واقعی می توانیم محاکم کنیم ولی ایرانی را که همان جرم را انجام داده نمی توانیم زیرا مشمول اصل صلاحیت شخصی نیست چون جرم متقابل نیست.

ثانیاً اگر مشمول اصل صلاحیت شخصی باشد فرانسه او را به صورت ظاهری محاکم می کند و به شش ماه زندان محکوم می کند و به استناد قاعده منع محاکمه مضاعف، ما دیگر نمی توانیم او را محاکمه کنیم!

سمیر عالیه از اساتید دانشگاه بیروت با این نظریه مخالفت کرده اند. اساتید ایرانی هم نظرشان همین است و شرط چهارم را لازم نمی دانند.

۲. اعتبار امر مختوم

شرط دیگری که مطرح شده «اعتبار امر مختوم» است. این شرط برای اصل صلاحیت شخصی خوب است ولی در صلاحیت واقعی چه بسا کشور محاکمه کننده خودش مظنون و متهم باشد و دادگاه تشکیل شده صرفاً برای ظاهر سازی باشد! قاعده «منع محاکمه مجدد» در موارد مشمول اصل صلاحیت واقعی قابل طرح نیست و استثناء شده است.

همین طور مجرمیت متقابل در اصل صلاحیت واقعی قابل اعمال نیست!

لذا اگر یک فرانسوی در ایران به حزب الله لبنان کمک کند، فرانسه این عمل را یک جرم بزرگ تلقی می کند و مورد تعقیب و مجازات قرار می دهد. در حالی که ایران آن را جرم نمی داند.

نتایج اصل صلاحیت واقعی

۱. صلاحیت انحصاری دولت متضرر

صرفاً کشور متضرر از وقوع جرم (که جرم علیه منافع حیاتی آن کشور بوده است) صلاحیت رسیدگی دارد و لا غیر! امروزه می گویند اگر دولت دارای صلاحیت واقعی مرتکب را به یک سال حبس و بعد در کشور خودش به ۵ سال حبس محکوم شود این یک سال را از آن کم می کنند. قانون مجازات جدید به این موضوع اشاره کرده است.

۲. عدم رعایت قاعده مجرمیت متقابل

۳. عدم رعایت قاعده منع محاکمه مجدد

۴. عدم لزوم مراجعت مجرم به کشور

یعنی با اعمال محاکمه غیابی می توان آن شخص را مورد محاکمه قرار داد.

با این بیان وجوه تمایز و تفاوت اصل صلاحیت واقعی و شخصی مشخص می شود

	صلاحیت شخصی	صلاحیت واقعی
۱	تامجرم در کشورش یافت نشود قابل محاکمه نیست	لازم نیست و محاکمه غیابی ممکن است
۲	فعل ارتكابی در هر دو کشور محل وقوع و محل محاکمه جرم باشد.	لازم نیست در محل ارتكاب جرم باشد.
۳	قاعده «عدم محاکمه مجدد» یا «اعتبار امر مختوم» معتبر است.	معتبر نیست و امکان محاکمه مجدد وجود دارد.
۴	شخص مورد محکم باید از اتباع آن کشور باشد	لازم نیست تبعه آن کشور باشد.
۵	در مورد جرایم علیه اموال و اشخاص است.	معمولاً در جرایم علیه امنیت و منافع حیاتی کشور است.

موارد اعمال اصل صلاحیت واقعی در قانون کیفری ایران

۱. صدر ماده ۶ ق.م.ا. اتباع بیگانه که در خدمت جمهوری اسلامی هستند یا مستخدمین دولت (خود ایرانی ها) به مناسبت شغل و وظیفه خود صلاحیت واقعی

۲. ماده ۵ ق.م.ا. هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود... (علت آن این است که در آیین دادرسی کیفری محاکمه غیابی جرایم حق الهی جایز نیست و جرایم این ماده از مقوله حق الهی هستند).

در لایحه جدید ق.م.ا. ماده شرط استرداد به ایران یا یافت شدن در ایران را حذف کرده اند

احتساب مجازات اعمال شده در کشور دیگر در ایران

اصل صلاحیت جهانی (universality principle / universal jurisdiction)

اصل صلاحیت جهانی عبارت است از گسترش قوانین کیفری داخلی نسبت به جرایم بین المللی که در خارج از کشور صورت می گیرد. طبق این اصل صرف نظر از اینکه مجرم تابع چه کشوری باشد و صرف نظر از اینکه جرم علیه چه کسی ارتکاب یافته باشد، همین که این جرم او در یک جرم بین المللی یا فراملی باشد و ثانیاً در خارج از کشور واقع شده باشد اگر مرتکب در داخل کشور یافت شود، طبق قوانین داخلی آن کشور مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار خواهد گرفت. (مکان، مجنی علیه و ... در نظر گرفته نمی شود؛ فقط کافی است مجرم در آن کشور یافت شود) مثلاً شخصی در قاچاق بین المللی مواد مخدر مشارکت دارد یا عضو سازمان مجرمانه بین المللی است یا در جرم هواپیمارمایی یا دزدی دریایی در آبهای آزاد مشارکت داشته، این شخص در هر جای دنیا یافت شود تحت شرایطی قابل محاکمه است. البته بر اساس قوانین داخلی همان کشور این اصل نشان دهنده انزجار جامعه جهانی بر اعمال مجرمانه ای است که در هر جایی از جهان ارتکاب یابد احساسات همه افراد بشر را صرف نظر از تابعیت مرتکب، مجنی علیه و محل وقوع جرم جریحه دار می کند.

این اصل یک اصل تکمیلی است. جایی که امکان اعمال اصل صلاحیت سرزمینی و شخصی نبود، اصل صلاحیت جهانی اعمال می شود. برای اطمینان از بی مجازات نماندن مرتکبان جرم در هر نقطه‌ای از جهان است. به عنوان مثال اگر در آبهای آزاد به کشتی تجاری یونان تجاوز کردند و متجاوزان به فرانسه گریختند، اگر قرارداد استرداد باشد، پس از درخواست یونان، فرانسه مسترد آنها را می کند و یونان محاکمه می کند.

اگر راهی برای استرداد وجود نداشت، دولت فرانسه ملزم است که این افراد را مورد محاکمه قرار دهد در صورتی که تابعیت مجرمین مشخص شود و کشور متبوع تقاضای استرداد کند آنجا صالح است.

اگر آن هم تقاضای استرداد نکرد یا قرارداد استرداد وجود نداشت، فرانسه بر اساس اصل صلاحیت جهانی رسیدگی می کند. در عرف بین الملل این گونه روال شده است که محل توقف و دستگیری متهم مبنای صلاحیت باشد. مجرم در هر کشور که دستگیر شود، صلاحیت اعمالی محاکمه و مجازات بر اساس قوانین داخلی خود را دارد. چنین امری نیازمند توافق دولتها است. دولتها نسبت به جرایمی

اعمال صلاحیت می کنند، که نظم بین المللی را مخدوش کند یا احساسات بین المللی را خدشه دار کند.

تمام قضات جهان در این خصوص صلاحیت یکسان دارند و به عنوان ارگانها یک نهاد مجازات کننده جهانی به آنها نظر می شود. صلاحیت جهانی صرفاً در برگیرنده جرایمی است که مشمول مبانی صلاحیتی نباشد. دولتی که بر این اساس اعمال صلاحیت می کند، هیچگاه مدعی نیست که نسبت به مرتکب حق حاکمیت دارد یا برای منافع شخصی آن را محاکمه می کند بلکه علت این محاکم این است که هیچ دولت دیگری مداخله نکرده یا امکان مداخله نداشته است. دخالت این دولت برای آن است که جرمی برخلاف مصلحت انسان بدون کیفر باقی نماند.

مبانی اصل صلاحیت جهانی

۱. اقتضای عدالت؛ ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمان

یکی از اهداف حقوقی کیفری آن است که مجرمان بدون کیفر نمانند. هنگامی که شخصی مرتکب جرم شدیدی شده است و هیچ یک از صلاحیت های سه گانه نسبت به این جرم قابل اعمال نیست، عدالت اقتضا دارد که این جرم بدون مجازات باقی نماند و هر کشوری که او را یافته، مجازات کند.

۲. نقض حقوق طبیعی توهین به همه بشریت است.

گروسیوس: جمعیت جهان ترکیبی از افراد بشر است. جرمی که نقض حقوق طبیعی است (مانند قتل و سرقت) توهین به همه بشر است. (در مقابل جرایم تصنعی که در کشوری جرم و در کشور دیگر مباح است. جرایم مکان و زمان) این حقوق هر چند بدون نیست ولی در وجدان فردی تمام اشخاص بشر نقش بسته است و تعهدی که این حقوق در کیفر دادند به جرم در ضمیر بشر ایجاد می کند، تعهدی جهانی است و این تعهد برای کشوری که در حوزه حاکمیتش ایجاد شده واجب تخییری است (یا به کشوری برگرداند یا خودش محاکمه کند) اگر امکان سپردن به جای دیگر نبود، تنها راه این است که خود این دولت چنین شخص را محاکمه کند.

۳ لزوم حفظ و حمایت میراث اخلاقی بشریت

در کنار منافع مادی بشر که استفاده از آن در دسترس همه است (کابل‌های تلفن و زیردریایی و غیره..). ارزش‌های اخلاقی وجود دارد که میراث بشریت است. ویران کردن این میراث مایع خشم بشریت است. انتشار و مبادله نثریات مستهجن، خرید و فروش انسان، مواد مخدر، نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و... مظاهری مختلف از این جرم جهانی است (ولتر اینها را در مقابل جرایم زمان و مکان قرار می‌دهد).

ارتکاب این جرایم میراث اخلاق بشریت را در معرض تهدید قرار می‌دهد و در صورتی که با ارتکاب این گونه جرایم هیچ گونه صلاحیتی برای تعقیب‌شان وجود نداشته باشد خطری جدی است. لذا حمایت از میراث اخلاقی بشریت مقتضی اعمال صلاحیت جهانی است.

۴. لزوم حفظ نظم عمومی بین المللی

ارتکاب جرایم شدید، نه تنها نظم عمومی کشوری خاص که درگیر این جرم است مختل می‌کند، بلکه موجب اختلال در نظم عمومی بین المللی می‌شود. فصل هفتم منشور ملل متحد، اجازه می‌دهد شورای امنیت برای حفظ صلح جهانی مجازات‌های خاصی علیه یک کشوری که این صلح را به خطر می‌اندازد، بکار گیرد.

لذا باید همه کشورها برای این همکاری کنند، چرا که جبهه‌گیری در مقابل دشمن مشترک و بکارگیری تمامی مساعی برای مبارزه با آن امری ضروری است.

شرایط اعمال اصل صلاحیت جهانی

۱. عدم وجود یا عدم امکان صلاحیت برتر

در مواردی که امکان اعمال سایر صلاحیت‌ها (سرزمینی، شخصی و واقعی) وجود دارد، امکان اعمال صلاحیت جهانی وجود ندارد. یک قاچاقچی بین المللی از مکزیک در ایران دستگیر می شود، این شخص این جرم را در هندوراس انجام می دهد، هیچکدام از کشورها تقاضای استرداد او را نکرده حتی مکزیک، یا مکزیک تقاضا کرده ولی قرارداد استرداد وجود ندارد یا به علت خاصی ایران نمی تواند این فرد را به آن کشور مسترد کند، خود ایران بر طبق اصل صلاحیت جهانی و ماده ۸ ق.م.ا. او را محاکمه می کند.

۲. جرم در خارج از مرزهای کشور واقع شده باشد.

چرا که اگر داخل مرز کشور مشخص انجام گرفته باشد، اصل صلاحیت سرزمینی اجرا می شود.

۳. حضور مجرم در کشور محل دستگیری

صلاحیت وقتی حاصل می شود که شخصی در آن کشور دستگیر شود یا در آن کشور یافت شود.

۴. عدم رسیدگی قبلی

در نتیجه اگر شخصی در اثر ارتکاب جرم یکبار در محاکم صلاحیت دار محاکمه و مجازات شد یا تبرئه شد، اعتبار امر مختوم کیفری اقتضا دارد که شخص دوباره مورد محاکمه قرار نگیرد.

در زمانی که محاکمه در کشور دیگری صورت گرفت اما به طور تشریفاتی (صوری) کشور متبوع (کشور که صلاحیت رسیدگی بر اساس اصل صلاحیت واقعی دارد) می تواند مجدداً محاکمه کند اما در سایر موارد که اصل صلاحیت واقعی نباشد (مثلاً اصل صلاحیت جهانی) دیگر نمی توان او را محاکمه کند.

۵. مجرمانه بودن آن عمل در کشور محل دستگیری

مثلاً سابقاً پولشویی در ایران جرم نبود یا قاچاق انسان. در گذشته زنان ایرانی به کشورهای همسایه صادر می شدند یا به عبارت دیگر قاچاق می شدند. در ایران فاحشگی جرم نیست ولی در اروپا و آمریکا جرم است؛ در ایران فقط زنا و روابط نامشروع جرم است!

قاچاق زنان امروزه یکی از جرایم بین المللی (فراملی) محسوب می شود البته جزو جرایم بین المللی قراردادی است. تا زمانی که این اعمال در ایران جرم انگاری نشده بود، اعمال مجازات در ایران ممکن نبود.

در برخی کشورها قاچاقچی مواد مخدر به اعدام محکوم می شود در برخی به حبس ابد و بعضی به حبس ۲۰ سال (مجازاتها متفاوت است. مطابق مکتب جدید نئو کلاسیک به شدت با جرایم برخورد می کنند) اگر کسی در یک کشور اروپایی مرتکب یک جرم بین المللی شود و در ایران دستگیر شود مثلاً از جمله اتهامات او معامله ۳۰۰ کیلو کوکائین است، طبق ماده ۸ ق.م.ا در ایران و بر اساس قوانین کیفری ایران محاکمه می شود، اگر در اروپا (مثلاً هلند) دستگیر می شد (محل ارتکاب جرم) به ۱۵ سال حبس محکوم می شد و در ایران اعدام می شود. این شخص چه بسا بر اساس قوانین آنجا مرتکب جرم شده است (اصالت فایده) اگر می دانست در ایران دستگیر می شود این کار را نمی کرد؟

جهل به قانون رافع مسوولیت نیست. به انضمام اینکه عهود و قراردادهای بین المللی در حکم قوانین داخلی است. همانطور که فرض می شود قانون داخلی کشور خود را می داند، فرض می شود از که قانون کشور دیگر را که امکان دستگیری در آن وجود داشته را نیز می داند.

فرض قانونی بر دو نوع است: ۱. فرض قابل رد؛ ۲. فرض غیر قابل رد (اماره فراش هم قابل رد است و هم غیر قابل رد). در اساسنامه رم مواردی جهت پذیرش خلاف (جهل به قانون رافع مسوولیت کیفری نیست) پیش بینی شده است.

در مقابل اگر یک ایرانی در فرانسه مرتکب جرم شد و فرار کرد یا به هر شکل در فرانسه محاکمه نشد و به ایران متواری گردید. این شخص باید توجه می داشت که چه بسا در کشور دیگری به جز فرانسه محکوم گردد. البته بعضی از حقوقدانان گفته اند بهتر است از حیث مجازات، مجازات ملایم تر اعمال شود.

تعارض قوانین

در موردی که یک ایرانی، یک افغانی و یک عراقی به همراه هم مرتکب سرقت می شوند یا یک ایتالیایی در ایران یک فرانسوی را به قتل رسانده است، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؟ محل استقرار مرتکبان جرم؟ در ایران حضور دارد (یا دستگیر شد) در ایتالیا یا در فرانسه در کدام کشور محاکمه می شود؟ اگر در هیچکدام از این کشورها دستگیر نشده باشد مثلاً فرار کرده به پاکستان، کدام کشور صلاحیت رسیدگی دارد؟

در این موارد باید ببینیم که کشور پاکستان با کدام یک از سه کشور رابطه استرداد دارد؟ مثلاً با ایران دارد، اگر پاکستان مسترد کرد، ایران صلاحیت دارد یا دیگر کشورها؟ اگر با هر سه کشور رابطه استرداد داشت، تکلیف چیست؟

در اینجا باید به قوانین داخلی کشورها توجه کنیم. مثلاً قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ ایران در ماده ۹ پیش بینی کرده است: «هر گاه چند دولت تقاضا رد مجرمی را به علت ارتکاب عمل واحدی بنمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتکاب یافته است.»

بنابراین کشوری که جرم در قلمرو آن واقع شده صلاحیت دارد (سرزمینی) در غیر این صورت کشوری که علیه منافع آن جرم واقع شده (صلاحیت واقعی)

۱- سرزمینی ۲- واقعی ۳- شخصی مثبت ۴- شخصی منفی انفعالی

ممکن است ایران رابطه استرداد نداشته باشد ولی کشور دیگری دارد، منتهی معامله متقابل دارد که این حاکم است، اما وقتی نه قرارداد استرداد است نه معامله متقابل ولی جرم از جرایمی است که کنوانسیون بین المللی در ارتباط با آن وجود دارد مثلاً وین، مریدا در همه این کنوانسیون ها پیرامون این موضوع قواعدی پیش بینی شده است.

برای اینکه کشورها اعمال صلاحیت کنند و بتوانند صلاحیت خود را چه صلاحیت سرزمینی و چه صلاحیت واقعی را اعمال کنند چاره ای ندارند جزء اینکه تقاضای استرداد مجرمین را مطرح کنند. قضیه استرداد مجرمین در حقوق فراملی و حقوق جزای بین المللی عام قابل طرح اند به طور مثال،

فردی مرتکب جرم مواد مخدر در کشورهایی مثل پاکستان شده، به ترکیه رفته، اگر این فرد ایرانی باشد ایران باید مسئله استرداد مجرم را مطرح کند و حتی در صورتی که در جرایم بین المللی بخواهند فردی را مجازات کنند و در واقع اعمال صلاحیت کنند باید تقاضای استرداد را مطرح شود.

مباحث مربوط به استرداد مجرمین^۵

قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴

تعریف استرداد

اولین مطلبی که در این باره لازم است مطرح کنیم این است که استرداد چیست؟ استرداد عبارت است از یک اقدام دو یا چند جانبه بین کشورها که به منظور امکان اعمال تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای احکام کیفری و قضایی و تأمین نظم و امنیت صورت می گیرد و به دولت و دولتهایی که نظم و امنیت کشورشان به مخاطره افتاده این امکان را می دهد که بتوانند استرداد کسی را که مخل نظم و امنیت آن کشور شده اند از کشور پناهگاه مجرمین تقاضا بنمایند و زمینه مجازات آنها را فراهم کنند.

خیلی از کشورها قانون استرداد مجرمین ندارند. علاوه بر این قوانین که به درد حقوق داخلی کشورها می خورد، ممکن است برخی کشورها قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه برای استرداد مجرمین داشته باشند. مانند آنچه ایران با آفریقای جنوبی، ارمنستان، اکراین، سوریه، آذربایجان و کشورهای مختلف دیگر دارد. بعضاً کشورهای یک منطقه با هم قراردادهای منطقه ای امضاء می کند. در واقع کنوانسیونها یا عهدنامه های بین منطقه ای که معروف است مانند معاهده استرداد «مونت ویدئو» یا قرارداد استرداد مجرمین کشورهای اروپایی که در سال ۱۹۶۲ بین کشورهای اروپایی تدوین شده است. پس این قراردادها می توانند دو جانبه یا چند جانبه باشد (م ۱۶ کنوانسیون پالمو).

استرداد مجرمین بین دولت ها بر اساس قرارداد فی مابین است که به سه صورت می تواند باشد: ۱- قرارداد بین طرفینی؛ ۲- قرارداد بین طرفینی است که به صورت مکتوب و امضا شده است؛ ۳- موردی که هیچ قرارداد مربوط به استرداد بین دو کشور وجود ندارد. لذا هر دو کشور عضو کنوانسیون هستند که بین المللی هست و در خود کنوانسیون پیش بینی شده است. در همه این موارد که استرداد صورت

^۵. Extradition of offenders

می گیرد، تابع قانون استرداد داخلی است. اینطور در ماده یک قانون راجع به استرداد مجرمین مطرح می کنند. در مواردی که بین دولت ایران و دول مذکور در قرارداد به عمل خواهد و چنانچه قراردادی منعقد شده باشد یا اگر شده باشد به صورت کامل نباشد، استرداد طبق این قانون به شرط معامله متقابل خواهد بود. فایده این قانون این است که در مواردی که قرارداد ساکت است، یا اجمال و ابهام دارد این قانون می تواند به عنوان یک سند مفسر و ثانوی عمل کند. اما اگر در ارتباط با استرداد مجرمین قرارداد استرداد وجود داشته باشد طبق آن قرارداد برخورد می شود و در صورت عدم وجود آن بر اساس قانون استرداد مجرمین عمل می شود و این بر این معنا است که در ارتباط با استرداد مجرمین اصل تقدم معاهدات بین المللی بر حقوق داخلی حاکم خواهد بود.

در ارتباط با استرداد مجرمین یک سری اصول اساسی حاکم است. (بر اساس مبانی فقهی که ما داریم پذیرش قراردادهای استرداد به معنای صلاحیت محاکم غیرشرعی در رسیدگی به پرونده های کیفری است و به همین دلیل بعد از انقلاب تا ۲۰ سال هیچ قرارداد استرداد نداشته باشیم. لذا برای مصلحت از سال ۷۶ قراردادهای استرداد نوشته شد. قرارداد استرداد فی مابین دولت ایران و آذربایجان در سال ۷۸ به تصویب مجلس رسید. در سال ۸۸ ایران و جمهوری عربی سوریه. اما بین ایران و ازبکستان، اکراین، ارمنستان، آفریقای جنوبی که غالباً در دهه ۸۰ بوده مجلس تصویب کرد شورای نگهبان رد کرد اما مجمع تشخیص مصلحت نظام تایید کرد.)

مهم ترین اصول حاکم بر استرداد مجرمین

۱. اصل عدم استرداد اتباع

بدین معنا که اگر شخصی که برای استرداد از یک کشور تقاضا شده که این شخص استرداد شود، از اتباع آن کشور باشد، تحت هیچ شرایطی دولت متبوع آن شخص با استرداد آن موافقت نمی کند. ماده ۸ قانون استرداد مجرمین در موارد زیر در خواست استرداد پذیرفته نمی شود

- هر گاه شخصی مورد تقاضای ایرانی باشد (مبنا: وظیفه دولت این است که از اتباع خود تحت هر شرایطی حمایت کند و خود این شخص را مورد محاکمه قرار دهد. همین مطلب در ماده یک عهدنامه استرداد بین ایران و ترکیه ذکر شده است. همچنین ماده یک عهدنامه پاکستان و ۲۳ عهدنامه ایران و

فرانسه و همین طور در سایر عهدنامه هایی که منعقد شده است. در عین اینکه این اصل وجود دارد کشورها تحت تفاهم نامه ای مقرر می دارند که از این اصل عدول کنند.

۲- اصل عدم استرداد در جرایم سیاسی

کلاً افرادی که سیاسی هستند و مرتکب جرایم سیاسی شدند و یا حتی جرمی که عمومی است اما احتمال می رود که تقاضای استرداد به منظوره های سیاسی باشد. در چنین مواردی استرداد پذیرفته نخواهد شد. علت: در یک دادرسی عادلانه باید اصل بی طرفی و توازن قوا حاکم باشد. وقتی یک فرد ناراضی از حکومت از کشور خارج می شود، خروجش به معنای این است که کشوری که من در آن زندگی می کردم در محاکماتش اصل توازن قوا را رعایت نمی کند و دادرسی عادلانه نیست. در بند ۲ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین همین مسئله پیش بینی شده است.

۳- اصل عدم استرداد در مواردی که دولت مورد تقاضا خود صالح به رسیدگی باشد

در این صورت خود دولت وقتی صالح به رسیدگی است خود این کار را انجام می دهد (بند ۳ ماده ۸ قانون استرداد/بند ۴ و ۵ ماده ۵ قرارداد ایران و روسیه تصریح شد: در صورتی که دولت مورد تقاضا خود صلاحیت رسیدگی داشته باشد استرداد محقق نخواهد شد).

۴- اصل مجرمیت متقابل؛ در صورتی استرداد صورت می گیرد که عملی که انجام شده در کشور مورد تقاضا هم جرم باشد. ماده ۴ قانون استرداد مجرمین

۵- اصل عدم استرداد در جرایم کم اهمیت؛ بند ۲ ماده ۴ قانون استرداد مجرمین

۶- اصل عدم استرداد مجرمان نظامی؛ در بند ۴ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین

۷- اصل عدم استرداد در مواردی که جرم مشمول مرور زمان و امثال آن شده باشد. بدین معنا که عمل به هر علتی قابل تعقیب نباشد

حقوق جرایم فراملی

حقوق جرایم فراملی عبارت است از بررسی قواعد و مقرراتی که برای پیشگیری از جرایم فراملی و مبارزه با این جرم و در جهت همکاری بین المللی برای مقابله با این جرم وضع شده است. جرایم بین المللی جرایمی که احساسات بین المللی را جریحه دار می کند مانند: دزدی دریایی ...

جرایم فراملی از مرز یک کشور گذشته و نظم منطقه ای را به هم ریخته است - برخلاف بخش اول- جرم داخلی است که کشورهای دیگر را هم داخل کرده است.

جرایم سازمان یافته، جرایم فراملی است؛ چرا که این جرم برای ارتکاب نیاز به همکاری دارد. جرایم سازمان یافته در جرم شناسی، یک معنا دارد و در حقوق کیفری یک معنا؛ در حقوق کیفری معنا وسیع تر و عام است.

در جرم شناسی، یکی از مولفان کتابی به نام جرایم سازمان یافته نوشته که این جرم را چنین تعریف می کند: «فعالیت مجرمانه مستمری که با هماهنگی صورت می گیرد».

«جرم سازمان یافته، اقدام مجرمانه مستمری است که برای کسب سود و منفعت از طریق انجام فعالیت های غیرقانونی مورد نیاز مردم ارتکاب می یابد(مانند فروش ارز)».

تعریف هوارد: جرم سازمان یافته اقدامی غیر ایدولوژیک است که توسط گروهی از افراد انجام می شود که تعامل اجتماعی نزدیک به هم داشته و بر یک مبنای سلسله مراتبی با حداقل سه سطح سازماندهی می شود و هدف آنها به دست آوردن منفعت و قدرت است که با انجام فعالیت های قانونی و غیر قانونی صورت می گیرد.

سطوح سازمان:

- رهبر یا فرمانده boss

- سرگروه captain

- عضو member

بنابراین جرمی که توسط سازمان مجاهدین خلق یا حزب توده یا چریک های پژاک صورت می گیرد هر چند خطرناک و لیکن از حیث جرم شناختی، جرم سازمان یافته محسوب نمی شود (منفعت ندارند).

مرکز این جرایم ایتالیا، ایالت (جزیره) سیسیل، پالمو است؛ لذا در این مکان کنوانسیون امضا گردید.

به گروه تشکل یافته از سه نفر یا بیشتر اطلاق می شود که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته و با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منفعت مالی یا سایر منافع مادی به صورت هماهنگ فعالیت می نمایند.

مصادیق جرم سازمان یافته در کنوانسیون پالمو

۱. شرکت یا عضویت در سازمان مجرمانه مرتکب جرایم سازمان یافته

۲. معاونت در ارتکاب جرایم سازمان یافته

۳. پولشویی

۴. فساد اداری (رشوه..)

۵. اخلال در روند دادرسی مربوط به جرایم سازمان یافته

پروتکل، معاهدات تکمیلی مربوط به کنوانسیون (پیمان نامه، معاهده، قرارداد بین المللی) را گویند (مقررات الحاقی)

این کنوانسیون سه پروتکل دارد که سه جرم را اضافه کرده است:

۱. قاچاق انسان؛ شخص ویزا دارد اما موسسه ای افرادی را از مرز خارج می کنند و بعد هر کاری بخواهند با او می کنند.

۲. قاچاق سلاح و مواد منفجره و تسلیحات آنها

۳. قاچاق مهاجرین؛ شخصی بدون داشتن ویزا از مرز کشوری عبور کنند. مانند: قاچاق افغانی ها. تبصره یک ماده ۱۲۳۹ لایحه ق.م.ا جدید گروه مجرمانه امضا کرده است جرم سازمان یافته به رسمیت شناخته شد.